منشور انقلاب اسلامی

استاد شهید مطهری

انقلاب اسلامی ایران میراث گران‌سنگ مردان و زنان متعادی، حریم عزت، شرف و حریت خویش را پاس داشتند و ماهیت پلید دژخیمان و ستمگران که کاخ پوشالی حکومت ننگین خود را بر کرده محرومان و شط خون مظلومان بنا کرده بودند، فاش کردند. بی‌تردید بصیرت و آگاهی نسبت به علل و انگیزه‌های پیدایش این انقلاب شکوهمند و نیز اهداف و آرمان‌های تعالی‌بخش آن در جهلمین سالگرد به‌بارنشستن این درخت تناور، آن‌هم از زبان یکی از معماران بزرگ انقلاب، ضرورتی است انکارناپذیر که باعث می‌شود بار دیگر بر مسئولیت سنگین ادامه‌دهندگان راه کسانی که این انقلاب را به ثمر نشاندند، تاکید جدی شود و از سوی دیگر نسل جوانی که خود، لحظه‌لحظه تولد انقلاب اسلامی را درک نکرده و امروز جشن ۴۰سالگی این مولود مبارک را به نظاره نشسته است، با هویت و ماهیت آن بیشتر آشنا شود.

متفکر گرانمایه و عالم مجاهد، استاد شهید آیت‌الله مطهری در بحبوحه نهضت اسلامی مردم به‌خاستهٔ ایران در سال ۱۳۵۷ با نگارش بیانیه‌ای به تبیین خاستگاه‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی همت گماشتند و از این طریق، راه را بر هرگونه تحریفی در معرفی چهره پاک و بی‌آلایش انقلاب از سوی مغرضان و معاندان بستند. استاد شهید که خود با نثار خون مطهر خویش سهم بزرگی در بالندگی این انقلاب داشته‌اند، در این بیانیه علل و عوامل قیام مردم را در پنج مقوله کلی خلاصه کرده‌اند که حوزه‌های سیاست (استبداد و استعمار)، فرهنگ و اقتصاد را دربر می‌گیرد. در بخش هدف‌ها و آرمان‌ها نیز متناظر با پنج مقوله فوق، پنج هدف اساسی را برمی‌شمارند که تحقق کامل آنها به شکوفایی و سربلندی انقلاب اسلامی منتهی خواهد شد. ظاهرا این بیانیه بنا بوده از طرف جامعه روحانیت مبارز تهران منتشر شود.

با ذکر این مقدمه، توجه خوانندگان محترم را به این بیانیه مهم جلب می‌کنیم.

بسم الله الرحمن الرحیم

در این روزها که نهضت ملت مسلمان ایران به رهبری روحانیت شجاع و بیدار به مرحله تازه‌ای گام نهاده و اندک اندک جای شایسته خود را در میان نهضت‌های آزادی‌خواهانه و عدالت‌خواهانه جهان باز می‌کند و فریاد مظلومیت و اسارت این ملت را به گوش جهانیان می‌رساند، دستگاه حکومت استبدادی ایران می‌کوشد با تمام وسایلی که در اختیار دارد، چهره دیگری به این نهضت، چه از نظر خاستگاه و چه از نظر هدف‌ها و آرمان‌ها، بدهد. از این رو لازم می‌دانیم برای رفع هرگونه ابهام و جلوگیری از هرگونه قلب و تحریف و به منظور روشن‌کردن بیشتر افکار جهانیان، به تشریح این نهضت مقدس، نخست از نظر خاستگاه، علل و مقدماتی که خشم و نفرت مردم این سرزمین را برانگیخته و آنان را در یک صف در مقابل حکومت قرار داده است و سپس از نظر هدف‌ها و آرمان‌ها بپردازیم.

نهضت ایران نهضتی ابتدا به‌ساکن نیست؛ ریشه‌های عمیق متنوعی دارد که به جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی مردم ایران مربوط می‌شود.

۱. ملت ایران در تاریخ خود، به استثنای فترت‌های کوچک و محدودی، زیر چکمه استبداد به سر برده است و از این رو با اینکه به اعتراف اهل بصیرت یکی از باهوش‌ترین و بااستعدادترین ملل جهان است، نتوانسته است در عرصه بین‌المللی استعدادهای خود را بروز دهد. در هفتادوادی سال پیش که از استبداد به سستو آمده بود، به رهبری روحانیونی آگاه، مجاهد و باپیمردی مجاهدینی مسلمان کوشش کرد رژیم آزادی و دموکراسی را در ایران برقرار کند، ولی این دولت مستعجل نیایید و کودتای ۱۲۹۹ که با کودتای ۱۳۳۲ تائید شد، بساط آزادی و دموکراسی را برچید و حکومت فردی و استبدادی را بار دیگر برقرار کرد. اگر آزادی و دموکراسی محفوظ می‌ماند، ملت ایران امروز در ردیف مترقی‌ترین کشورهای جهان بود، در صورتی که پس از سه‌ربع قرن هنوز از نظر فقر و بی‌سوادی و فرهنگ و تمدن در ردیف عقب‌مانده‌ترین کشورهای جهان است. اختناق سیاسی و اجتماعی و محرومیت از آزادی و مشارکت در تعیین سرنوشت خود یکی از موجبات خشم و نفرت این مردم است.

۲. سیاست‌های استعماری همراه با بازگرداندن استبداد به ایران، برای مسخ و بی‌ریشه کردن این مردم و بردن آنها از اسلام و فرهنگ اصیل و حیات‌بخش اسلامی کوشش کرده و می‌کند. ایران را به جاهلیت پیش از اسلام بازگرداند. به این منظور به شکل‌های مختلف برای فرهنگی که زاده و پرداخته اسلام و نهضت اسلامی است، شناسنامه‌های مجعول زردشتی و ایرانی پیش از اسلام صادر می‌کند. تغییر تاریخ پرافتخار هجری و تبدیل آن به تاریخ ارتجاعی شاهنشاهی، جزئی از برنامه وسیع بازگشت به جاهلیت پیش از اسلام است.

مبارزه آشکار و پنهان دستگاه استبدادی حکومت ایران با اسلام منحصر به این برنامه نیست، با فرم‌ها و شکل‌ها و صورت‌های مختلف انجام می‌شود و چون از آشکارکردن منویات خود بیمناک است، احیانا در پوشش اسلام با اسلام مبارزه می‌کند. که طرح دانشگاه اسلامی به منظور مسخ معارف اسلامی می‌ریزد و گاه که با دژ تسخیرناپذیر روحانیت روبه‌رو می‌شود و آن را بزرگ‌ترین خطر برای خود تشخیص می‌دهد، برنامه فریبکارانه «اسلام منهای روحانیت» را بر زبان‌ها می‌اندازد و چون نفوذ روزافزون اسلام را در روحیه جوانان تحصیل‌کرده احساس می‌کند، برای مقابله با این ایمان سازنده نوعی مارکسیسم که آن را مارکسیسم دولتی باید نامید، تبلیغ می‌کند؛ یعنی مارکسیسم منهای جنبه‌های سیاسی و اقتصادی. تبلیغ جنبه‌های الحادی مارکسیسم وسیله مارکسیست‌های خودفروخته که اکنون مقامات حساسی را در دستگاه‌های آموزشی و تبلیغی ایران اشغال کرده‌اند، یکی از برنامه‌های برملاشده حکومت استبدادی ایران است. امروز دیگر برای ملت ایران تردیدی باقی نمانده که دستگاه حکومتی چه خواب‌هایی برای اسلام عزیز که آن را سخت گرامی می‌دارد و در راه آن حاضر است جون خود را فدا کند، می‌بیند. برنامه‌های ضداسلامی دستگاه حکومتی ایران عامل دیگری است که خشم این ملت را برانگیخته و او را با دستگاه حاکمه آشتی‌ناپذیر کرده است.

۳. دستگاه حکومت ایران برای تحکیم موقعیت متزلزل خود به کشف دیگری هم نائل شده و آن تباه‌کردن روحیه‌ها و تخدیر اندیشه‌ها و فاسدکردن اخلاق مردم، خصوص جوانان است از راه اشاعه فحشا به انواع مختلف و از راه مبتلاکردن مردم به استعمال مواد مخدر از قبیل هروئین، تریاک و... ، ایجاد تسهیلات برای کارخانه‌های مشروب‌سازی که سال به سال بر عدد آنها افزوده می‌شود و ایجاد سینماهایی که به جای فیلم‌های آموزشی و اخلاقی صرفا فیلم‌های سکسی و جنایی ارائه می‌دهند، فیلم‌های بدآموز تلویزیونی، جشن‌های دولتی که نمونه‌اش جشن هنر شیراز در سال گذشته است، عادت‌دادن مردم به عیاشی، چاپلوسی، رشوه، باج، قمار، فردپرستی، همه و همه جزء این برنامه است. مردم ایران اینک دریافته‌اند که اشاعه فحشا به منظور تضعیف روحیه عموم جزء تدبیر به‌اصطلاح امنیتی ایران است و این، عامل دیگر نگرانی این مردم و نفرت آنها از هیئت حاکمه است.

۴. با وجود تبلیغات حکومت ایران، وضع اقتصادی ایران سخت دچار نابسامانی است و آینده وحشتناکی را نشان می‌دهد. سطح تولیدات کشاورزی به طور عمد و به منظور مصرف‌کردن تولیدات بیگانه و خارج‌کردن ارز از کشور و قراردادن اقتصاد کشور بر پایه ثروت موقت و متزلزل نفت، پایین نگه داشته شده است. منابع خدادادی ایران غارت می‌شود و ثروت باادوّره خرج خرید سلاح‌های دوربریختنی و نجات‌دادن شرکت‌های ورشکسته خارجی می‌شود. سیاست اقتصادی غلط حکومت، گرانی روزافزون قیمت‌ها و ادعای پوچ مبارزه با گرانی، مالیات‌های کمرشکن، عمیق‌ترشدن روزبه‌روز فاصله طبقاتی، بذل و بخشش‌های بیجای حکومت ایران و به‌کارگرفتن هندوستان، ترکیه و ایتالیا بسته بود، ناگهان از طرف این دولت‌ها قطع شد. برای اینکه خطر چالش با موضع انگلستان روشن شود، کشورهای رقیب و دشمن نیز از این نقطه‌ضعف استفاده کردند. محموله آن ضبط شد و یک دادگاه علیه شرکت ایرانی رای داد.

دوم: به کارشناسان فنی، حقوق‌دانان و حسابدارانی که به استخدام شرکت ملی نفت ایران درآمده بودند، اجازه خروج از کشورهایشان برای رفتن به ایران داده نشد. به دولت‌های آلمان، سوئد، اتریش و سوئیس فشار آورده شد تا به اتباع خود، روادید ندهند. در ایالات متحده، سفارت انگلیس، از نصب یک آگهی در جلو ساختمان کمیته روابط خارجی که شرکت‌های نفتی آمریکایی را تشویق می‌کرد تا کارشناسان فنی آمریکایی را به ایران بفرستند، جلوگیری کرد. وزارت خارجه حتی کارشناسان فنی آمریکایی را که در سایر نقاط دنیا کار می‌کردند، از گرفتن روادید منع کرد.

سوم: بانک انگلیس تمام ذخایر ارزی ایران را مسدود و از پرداخت امتیازهای معوقه مربوط به قبل از ملی‌کردن خودداری کرد. این مبلغ جمعا ۴۹ میلیون پوند می‌شد که بدون آن مصدق نمی‌توانست حقوق ارتشیان و کارکنان دولت را بپردازد، پرداخت بدهی خارجی ایران به کنار.

چهارم: بعد از گذشت ماه‌ها در موضع مصدق کوچکترین تغییری حاصل نشد؛ درنتیجه تدارک یک طرح نظامی، به نام عملیات چکمه (آژاکس) به منظور به‌زیرکشیدن نخست‌وزیر از قدرت آغاز شد. این طرح تا آبان ۱۳۳۱ به دولت آمریکا ارائه نشد. در آن تاریخ، ژنرال عمر برادلی، رئیس ستاد مشترک و دیگر بازیگران کلیدی آن را غیر واقعی و دارای لحن نظامی بیش از اندازه دانسته و رد کردند. درواقع این طرح در واشنگتن امکان پذیرش نداشت تا اینکه دموکرات‌ها در انتخابات شکست خوردند و آیزنهاور پیروز شد.

بحران ارزی پیش‌آمده قبل از انقلاب

در کتاب برنامه‌ریزی در ایران، علی اعظم محمدیکی می‌نویسد: در سال‌های اخیر یکی از مهم‌ترین سیاست‌های اقتصادی ایران، تنظیم برنامه تثبیت اقتصادی بود. تنظیم و اجرای این برنامه در کشور به دلیل وقوع بحران ارزی متعارف در متون اقتصادی صورت یافت، بحرانی که در پی یک دوره رونق اقتصادی مهارنشده پدید آمده بود؛ بنابراین تعجبی ندارد که چرا واهمه‌دهندگان خارجی نقشه اصلی را در تنظیم برنامه تثبیت اقتصادی ایفا کردند و از طریق صندوق بین‌المللی پول هنوز بر اجرای آن نظارت دارند.

واقعیت هراسناک این است که دولت شاهنشاهی ایران پیش از وقوع این بحران به هیچیک از هشدارهای داخلی توجه نکرد و بنابراین این احساس را به وجود آورد که به استدلال‌های اقتصادی و نیز به نظرات ایرانیان گوش نمی‌کند و تنها توصیه‌های خارجی‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد. گذشته از این، جزئیات سیاست تثبیت در کشور به اندازه کافی مورد بحث قرار نگرفت و امروز نیز اندک‌اند ایرانیانی که این سیاست را فهمیده باشند. این برنامه را اقتصاددانان کشورهای واهم‌دهنده تهیه کردند یا به هر حال ماحصل بحث‌های دولت ایران و واهم‌دهندگان است؛ نه بحث‌هایی که بین خود ایرانیان در گرفته باشد.

ریخت‌وپاش‌های غیرتولیدی

در کتاب تامین مالی صنعتی در ایران، اصلان قودحانی می‌نویسد: فراوانی ارز خارجی و ثبات نسبی قیمت‌ها در یک دوره سه‌ساله منجر به تورم شد و چیزی نماند بود که به ورشکستگی منجر شود. علت آن اوضاع، چیزی جز سهل‌انگاری مالی و ریخت‌وپاش منابع برای اهداف غیرتولیدی نبود. چون بخش بزرگی از ارزهای واردشده در قالب پول درآمدند؛ عرضه پول دو برابر شد و واهم‌های بانکی به بخش خصوصی در فاصله سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۹ بیش از سه برابر شد. قیمت‌ها مدتی کوتاه به علت افزایش تولید و واردات کالاهای خارجی مهار شدند و روند تورم به‌روی شدت گرفت. با این حال کسری بودجه و گسترش واهم‌دهی، موجب رشدی متناسب با حجم آن کسری‌ها و واهم‌ها در بخش تولید نشد و در عوض عمدتا به افزایش موجودی کالا در انبارها، مصرف کالاهای اقساطی، خانه‌های مجلل، دلالی در حوزه مستغلات و افزایش هزینه‌های جاری حکومت منجر شد. مخارج سرمایه‌ای نیز به تنگناهایی قیمت‌ها در کوتاه‌مدت دامن زد. بخش اعظم سرمایه‌گذاری حکومتی به ساخت‌وسازهای غیرمولد در تاسیسات نظامی اختصاص یافت و سرمایه‌گذاری‌های توسعه‌ای هم -به‌ویژه در طرح‌هایی از نوع ابرسازه‌ها- به پیش می‌آمدند تا سدهای نسبتا طولانی به افزایش تولید کالاها انجامید. به این ترتیب قیمت‌ها که در دوره ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۶ فقط ۱۰ درصد زیاد شده بودند؛ از سال ۱۳۳۷ سالانه ۱۰ درصد رشد کردند. درحالی‌که صادرات غیرنفتی ثابت ماند بود، رشد تقاضای لجام‌گسیخته موجب شد واردات در فاصله سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۹، شش برابر شود.

کنار هم قرارگرفتن عواملی مانند واهم‌های سهل‌الوصول، افزایش قیمت‌ها، آزادبودن خرید و فروش ارز و واردات بی‌حد و حساب، در نهایت باعث کاهش چشمگیر در ذخایر ارزهای خارجی - بیش از صد میلیون دلار بین سال‌های ۱۳۳۶ تا خرداد ۱۳۳۹- شد. در تابستان ۱۳۳۹ ذخایر غیرمسدود ارزی، فقط معادل یک ماه از واردات کشور بود که اگر قرار بود واردات کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه ضروری ادامه یابد و در عین حال بازپرداخت بدهی‌های خارجی به‌درستی انجام شود، ذخیره خطرناکی محسوب می‌شد. همچنین معلوم شد که واردات لجام‌گسیخته نمی‌تواند برای مهارکردن قیمت‌ها باز هم ادامه یابد. وقتی بارندگی در سال ۱۳۳۸ به‌شدت کم شد و تولیدات کشاورزی کاهش یافتند؛ ضربه‌ای جدیه به ثبات اقتصادی وارد شد.

اما مسئولان حکومتی ایران با وجود وخیم‌شدن نشانه‌های خطر، چندان اعتنایی به ضرورت پیروی از انضباط مالی و اقدامات تثبیت‌کننده نکردند. در بودجه ۱۳۳۹ هیچ کاری برای استقرار خط‌مشی مالی مطمئن و ضد تورمی انجام نشد و فقط اقداماتی پراکنده و بی‌حاصل در پیش گرفته شد که ناشی از موج واردات غیراساسی و مصرف ارز بود. کاهش بیش از اندازه ارزهای خارجی بلافاصله -دقیقا هنگامی که معلوم شد توفیق برنامه دوم به اخذ وام‌های هنگفت خارجی وابسته است- به‌شدت به رتبه‌بندی اعتبار بین‌المللی ایران آسیب زد. پس از مذاکرات مفصل و با مخالفت‌های گسترده در بدنه حکومت، ایران بالاخره پذیرفت در آستانه بحران شهریور ۱۳۳۹ به تنظیم یک برنامه تثبیت بپردازد که بیش از خط اعتباری ۳۵ میلیون دلاری «صندوق بین‌المللی پول» بود. تحولات بعدی نشان داد که مسئولان وظیفه‌شناس بانک مرکزی چندان نفوذی بر وزرای دولت ندارند و مخارج حکومتی به‌رغم تعهدات کشور به صندوق بین‌المللی پول، بی‌سر و سامان باقی ماند. بار برنامه تعهدات عمدتا بر دوش بخش خصوصی افتاد.

بی‌میلی شایع در اکثر مسئولان ارشد حکومتی به اجرای برنامه‌های بسا مسئولیت‌های توسعه -و جدی قلمدادکردن توسعه- به شکل‌های بی‌شمار عیان شده است: در نادیده‌گرفتن کارشناسان خارجی که برخورداری از خدمات ایشان، درخواست شده بود، در مدت کوتاهی در زمینه فروش کارخانه‌های دولتی گزینش شه‌ای که مدت‌ها پیش توفق شده بود به بخش خصوصی فروخته شوند. در فروگذاردن از هرگونه اقدام درباره کاهش روبه‌رشد و سریع ذخایر ارزی در سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۳۹ تا اینکه فقط اقدامات اضطراری توانست راهگشا شود. در انتصاب اشخاص ناکارآزموده در مناصب مهم بلندپایه، در شکست مکرر برای انجام‌دادن کارها پس از بارها قول‌دادن به انجام آنها و در موضع‌گیری بی‌اندازه مسامحه‌کارانه و حمایت‌کرانه از نظام فاسدی که تعیین می‌کرد طرح‌های حکومتی به دست چه کسانی بیفتد و گاهی بر استاندارد عملکرد پیمانکاران نیز اثر می‌گذاشت.

بارزترین نشانه آن بی‌توجهی به توسعه، بی‌میلی بسیاری از وزرا به اداره وزارتخانه‌های خود به شکلی بود که به‌طور منطقی به نیاز حکومت به پاسخگویی مالی توجه شود. آنگونه فقدان انسجام و انضباط، به معنای ناتوانی حکومت در حفظ مخارج غیرتوسعه‌ای و تضمین استانداردهای مطلوب برای اداره امور مالی، به کوتاهی وجه به نتوان به تعهدات بودجه‌ای عمل کرد و مجبران از پول گاهی برای اجرای آنچه قصد داشتند انجام دهند، برخوردار شد. همچنین برای تامین افزایش بی‌چون و چرای هزینه‌های حکومت -که بخشی از فرایند توسعه بود- به افزایش مالیات‌ها بپردازد. حکومت علاوه بر آن که هیچ کاری برای ایجاد مالیات‌های جدید در خلال سال‌های رشد سریع بودجه خود نکرد، در وزارت دارایی نیز جیغ‌کس را مسئول بررسی آن معضل نکرد.

نتیجه گریزناپذیر این فقدان جدیت برای افزودن به درآمدهای عمومی و محدود کردن مخارج آن، کسری بودجه مزمن، آن هم کسری ناخواسته‌ای بود که باعث شکست توسعه می‌شود. بخش بزرگ و برتر کسری از درآمد نفتی کشور را از طرح‌های توسعه دریغ کرده، برای تامین بودجه عادی که احاطه کافی بر آن وجود ندارد، مصرف می‌کشد.

خیال تصاحب شاهراه‌های اقیانوس هند

در کتاب خاطرات شفافی، علینقی عالیخانی می‌نویسد:

در دهه ۷۰ میلادی ایران صاحب درآمد هنگفتی از نفت شده بود و از آن حالت اقتصاد تک‌افتادگی بیرون آمده بود. شاه در این مورد دیگر یک نوع جاه‌طلبی اینکه در منطقه اقیانوس هند باید به حیات باب. داشت و توجه برنامه گسترش نظامی و خرید اسحه‌اش هم این بود که ایران نه فقط باید در خلیج فارس از مناطق خودش دفاع کند، بلکه شاهراه‌های بازرگانی اقیانوس هند را باید بتواند تا حدودی در نگهداری‌اش سهم داشته باشد... اقیانوس هند به قدری بزرگ است که اصولا اینکه یک کشوری با جثه نسبتا کوچک ایرانی بخواهد راه‌های اقیانوس هند را برای کشورهای اروپای غربی، ژاپن و آمریکا باز نگه دارد، حالت شوخی پیدا می‌کرد.

اشتباه‌ها و بیان‌های پس از آن

شاه در مصاحبه با پیتر استو، خبرنگار سیاسی تلویزیون تجاری انگلستان؛ روزنامه کیهان، چهارشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۵۲، ۳۰ ژانویه ۱۹۷۴

شاهنشاه فرمودند: من تصور می‌کنم که کشور ما ظرف ۱۰ سال آینده. آنچنان خواهد شد که اکنون شما هستید. این را فقط من نمی‌گویم بلکه با به اظهارات اشخاص دیگر ظرف ۲۵ سال آینده، ایران در جرگه پنج کشور پیرونق و مرفه جهان قرار خواهد گرفت. اینکه هنگامی که کشوری چنین وضعیتی پیدا می‌کند، روش عمل آن هم به همان منوال دگرگون می‌شود. بعضی از اقدامات آن براساس جهانی، بدون هیچ‌گونه عقده‌ای و با شناخت تمامی ساختمان سیاست جهانی خواهد بود.

بیاناتی از این جنس را کارلوس آنره یوتر، رئیس‌جمهور ونزوئلا نیز داشت. ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۴

«شما بازیگران در این دکرگونی بزرگ ملی هستید که ونزوئلا را که یکی از کشورهای بزرگ جهان تبدیل می‌کنید... ونزوئلای بزرگ، چون که همه ونزوئلایی‌ها می‌توانند کار کنند. یک ونزوئلای بزرگ چون آینده و رفاه هر عضو جامعه ملی ما تامین خواهد شد. یک ونزوئلای بزرگ چون ما می‌دانیم چگونه از ابزارهای ... علم و فناوری برای متحول کردن منابع طبیعی یک‌کشورمان استفاده کنیم. به‌طوری که ما - با شخصیت و صدای خودمان- به پاشگاه ملت‌های بزرگ جهان می‌پیوندیم.

به زور هم که شده این مملکت را درست می‌کنیم

ویژه‌نامه مصاحبه با شاه؛ روزنامه کیهان. ۳ آبان ۱۳۵۵، ۲۵ اکتبر ۱۹۷۶

*براساس یک برآورد کارشناسان نفتی درآمد ایران از نفت در سال مسیحی جاری بین چهار تا پنج میلیارد دلار بیشتر از مبلغی است که سازمان برنامه و بودجه بینی‌بینی کرده بود. اگر این حساب درست است، با درآمد اضافی‌مان چه خواهیم کرد؟

شاهنشاه: این برآورد درست است اما اگر پولی اضافه بیاید آن را دیگر آتش نخواهیم زد. کسر بودجه‌مان سه میلیارد دلار است که باید جبران شود. از طرف دیگر، مصرف‌کنندگان هنوز هنوز عقدا تندتند نفت می‌خرند و ذخیره می‌کنند اما نمی‌دانم در سال مسیحی آینده چه روشی خواهد داشت و آیا افزایش خرید نفت ادامه خواهد یافت یا نه.

اثرات مخرب گسترده شدن درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی و تورم

ورود درآمدهای کلان نفتی به کشور از سال ۱۳۵۲، در نبود برنامه‌ای هدفمند و بلندمدت در راستای افزایش توان صنعتی و رقابت‌پذیر در سطح بازارهای جهانی، آغازگر برهم‌خوردن سهم ارزش افزوده و اشتغال بخش صنعتی در مقابل دیگر بخش‌ها و پیدایش بی‌ثباتی‌های فراوان در رشد اقتصادی و ظهور تورم‌های دو رقمی بود. پس از سال ۱۳۵۲، ثبات متغیرهای کلان اقتصادی و رسیدن به رشدهای اقتصادی بالا همواره به آرزویی در برنامه‌های توسعه کشور تبدیل شد که صرفاً روی کاغذ مصور بودند و کذر زمان نیز به عاملی جهت اصلاح، بهبود و افزایش رشدهای اقتصادی مبدل نگشت، بلکه در هر دوره شاهد افول و نزول بیش از پیش رشدهای اقتصادی بودیم.

رشد سه‌برابری قیمت مستغلات به اعتبار افراطی کرایی‌های مصرفی

در کتاب اقتصاد سیاسی توسعه در ایران امروز می‌خوانیم:

تجربه نخستین شوک نفتی در دهه ۵۰ شمسی نشان می‌دهد هزینه‌ها به چه طریقی رشد یافت. یک نمونه ساده: هزینه مسکن در سایت بانک مرکزی در سال ۱۳۵۳ به‌عنوان سال پایه ۱۰۰ بوده و در سال ۱۳۵۸ به ۲۹۴ رسیده است. به عبارت دیگر این مشاهده ساده تاریخی نشان می‌دهد در تجربه شوک اولیه نفتی، به اعتبار مطالعه فرمودند: من تصور می‌کنم که کشور ما ظرف ۱۰ سال آینده، آنچنان خواهد شد که اکنون شما هستید. این را فقط من نمی‌گویم بلکه با به اظهارات اشخاص دیگر ظرف ۲۵ سال آینده، ایران در جرگه پنج کشور پیرونق و مرفه جهان قرار خواهد گرفت. اینکه هنگامی که کشوری چنین وضعیتی پیدا می‌کند، روش عمل آن هم به همان منوال دگرگون می‌شود. بعضی از اقدامات آن براساس جهانی، بدون هیچ‌گونه عقده‌ای و با شناخت تمامی ساختمان سیاست جهانی خواهد بود.

بیاناتی از این جنس را کارلوس آنره یوتر، رئیس‌جمهور ونزوئلا نیز داشت. ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۴

«شما بازیگران در این دکرگونی بزرگ ملی هستید که ونزوئلا را که یکی از کشورهای بزرگ جهان تبدیل می‌کنید... ونزوئلای بزرگ، چون که همه ونزوئلایی‌ها می‌توانند کار کنند. یک ونزوئلای بزرگ چون آینده و رفاه هر عضو جامعه ملی ما تامین خواهد شد. یک ونزوئلای بزرگ چون ما می‌دانیم چگونه از ابزارهای ... علم و فناوری برای متحول کردن منابع طبیعی یک‌کشورمان استفاده کنیم. به‌طوری که ما - با شخصیت و صدای خودمان- به پاشگاه ملت‌های بزرگ جهان می‌پیوندیم.

به زور هم که شده این مملکت را درست می‌کنیم

ویژه‌نامه مصاحبه با شاه؛ روزنامه کیهان. ۳ آبان ۱۳۵۵، ۲۵ اکتبر ۱۹۷۶

*براساس یک برآورد کارشناسان نفتی درآمد ایران از نفت در سال مسیحی جاری بین چهار تا پنج میلیارد دلار بیشتر از مبلغی است که سازمان برنامه و بودجه بینی‌بینی کرده بود. اگر این حساب درست است، با درآمد اضافی‌مان چه خواهیم کرد؟

شاهنشاه: این برآورد درست است اما اگر پولی اضافه بیاید آن را دیگر آتش نخواهیم زد. کسر بودجه‌مان سه میلیارد دلار است که باید جبران شود. از طرف دیگر، مصرف‌کنندگان هنوز هنوز عقدا تندتند نفت می‌خرند و ذخیره می‌کنند اما نمی‌دانم در سال مسیحی آینده چه روشی خواهد داشت و آیا افزایش خرید نفت ادامه خواهد یافت یا نه.

اثرات مخرب گسترده شدن درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی و تورم

ورود درآمدهای کلان نفتی به کشور از سال ۱۳۵۲، در نبود برنامه‌ای هدفمند و بلندمدت در راستای افزایش توان صنعتی و رقابت‌پذیر در سطح بازارهای جهانی، آغازگر برهم‌خوردن سهم ارزش افزوده و اشتغال بخش صنعتی در مقابل دیگر بخش‌ها و پیدایش بی‌ثباتی‌های فراوان در رشد اقتصادی و ظهور تورم‌های دو رقمی بود. پس از سال ۱۳۵۲، ثبات متغیرهای کلان اقتصادی و رسیدن به رشدهای اقتصادی بالا همواره به آرزویی در برنامه‌های توسعه کشور تبدیل شد که صرفاً روی کاغذ مصور بودند و کذر زمان نیز به عاملی جهت اصلاح، بهبود و افزایش رشدهای اقتصادی مبدل نگشت، بلکه در هر دوره شاهد افول و نزول بیش از پیش رشدهای اقتصادی بودیم.

رشد سه‌برابری قیمت مستغلات به اعتبار افراطی کرایی‌های مصرفی

در کتاب اقتصاد سیاسی توسعه در ایران امروز می‌خوانیم:

تجربه نخستین شوک نفتی در دهه ۵۰ شمسی نشان می‌دهد هزینه‌ها به چه طریقی رشد یافت. یک نمونه ساده: هزینه مسکن در سایت بانک مرکزی در سال ۱۳۵۳ به‌عنوان سال پایه ۱۰۰ بوده و در سال ۱۳۵۸ به ۲۹۴ رسیده است. به عبارت دیگر این مشاهده ساده تاریخی نشان می‌دهد در تجربه شوک اولیه نفتی، به اعتبار مناطق خودش دفاع کند، بلکه شاهراه‌های بازرگانی اقیانوس هند را باید بتواند تا حدودی در نگهداری‌اش سهم داشته باشد... اقیانوس هند به قدری بزرگ است که اصولا اینکه یک کشوری با جثه نسبتا کوچک ایرانی بخواهد راه‌های اقیانوس هند را برای کشورهای اروپای غربی، ژاپن و آمریکا باز نگه دارد، حالت شوخی پیدا می‌کرد.

اشتباه‌ها و بیان‌های پس از آن

شاه در مصاحبه با پیتر استو، خبرنگار سیاسی تلویزیون تجاری انگلستان؛ روزنامه کیهان، چهارشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۵۲، ۳۰ ژانویه ۱۹۷۴

شاهنشاه فرمودند: من تصور می‌کنم که کشور ما ظرف ۱۰ سال آینده، آنچنان خواهد شد که اکنون شما هستید. این را فقط من نمی‌گویم بلکه با به اظهارات اشخاص دیگر ظرف ۲۵ سال آینده، ایران در جرگه پنج کشور پیرونق و مرفه جهان قرار خواهد گرفت. اینکه هنگامی که کشوری چنین وضعیتی پیدا می‌کند، روش عمل آن هم به همان منوال دگرگون می‌شود. بعضی از اقدامات آن براساس جهانی، بدون هیچ‌گونه عقده‌ای و با شناخت تمامی ساختمان سیاست جهانی خواهد بود.

بیاناتی از این جنس را کارلوس آنره یوتر، رئیس‌جمهور ونزوئلا نیز داشت. ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۴

«شما بازیگران در این دکرگونی بزرگ ملی هستید که ونزوئلا را که یکی از کشورهای بزرگ جهان تبدیل می‌کنید... ونزوئلای بزرگ، چون که همه ونزوئلایی‌ها می‌توانند کار کنند. یک ونزوئلای بزرگ چون آینده و رفاه هر عضو جامعه ملی ما تامین خواهد شد. یک ونزوئلای بزرگ چون ما می‌دانیم چگونه از ابزارهای ... علم و فناوری برای متحول کردن منابع طبیعی یک‌کشورمان استفاده کنیم. به‌طوری که ما - با شخصیت و صدای خودمان- به پاشگاه ملت‌های بزرگ جهان می‌پیوندیم.

به زور هم که شده این مملکت را درست می‌کنیم

ویژه‌نامه مصاحبه با شاه؛ روزنامه کیهان. ۳ آبان ۱۳۵۵، ۲۵ اکتبر ۱۹۷۶

*براساس یک برآورد کارشناسان نفتی درآمد ایران از نفت در سال مسیحی جاری بین چهار تا پنج میلیارد دلار بیشتر از مبلغی است که سازمان برنامه و بودجه بینی‌بینی کرده بود. اگر این حساب درست است، با درآمد اضافی‌مان چه خواهیم کرد؟

شاهنشاه: این برآورد درست است اما اگر پولی اضافه بیاید آن را دیگر آتش نخواهیم زد. کسر بودجه‌مان سه میلیارد دلار است که باید جبران شود. از طرف دیگر، مصرف‌کنندگان هنوز هنوز عقدا تندتند نفت می‌خرند و ذخیره می‌کنند اما نمی‌دانم در سال مسیحی آینده چه روشی خواهد داشت و آیا افزایش خرید نفت ادامه خواهد یافت یا نه.

اثرات مخرب گسترده شدن درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی و تورم

ورود درآمدهای کلان نفتی به کشور از سال ۱۳۵۲، در نبود برنامه‌ای هدفمند و بلندمدت در راستای افزایش توان صنعتی و رقابت‌پذیر در سطح بازارهای جهانی، آغازگر برهم‌خوردن سهم ارزش افزوده و اشتغال بخش صنعتی در مقابل دیگر بخش‌ها و پیدایش بی‌ثباتی‌های فراوان در رشد اقتصادی و ظهور تورم‌های دو رقمی بود. پس از سال ۱۳۵۲، ثبات متغیرهای کلان اقتصادی و رسیدن به رشدهای اقتصادی بالا همواره به آرزویی در برنامه‌های توسعه کشور تبدیل شد که صرفاً روی کاغذ مصور بودند و کذر زمان نیز به عاملی جهت اصلاح، بهبود و افزایش رشدهای اقتصادی مبدل نگشت، بلکه در هر دوره شاهد افول و نزول بیش از پیش رشدهای اقتصادی بودیم.

رشد سه‌برابری قیمت مستغلات به اعتبار افراطی کرایی‌های مصرفی

در کتاب اقتصاد سیاسی توسعه در ایران امروز می‌خوانیم:

تجربه نخستین شوک نفتی در دهه ۵۰ شمسی نشان می‌دهد هزینه‌ها به چه طریقی رشد یافت. یک نمونه ساده: هزینه مسکن در سایت بانک مرکزی در سال ۱۳۵۳ به‌عنوان سال پایه ۱۰۰ بوده و در سال ۱۳۵۸ به ۲۹۴ رسیده است. به عبارت دیگر این مشاهده ساده تاریخی نشان می‌دهد در تجربه شوک اولیه نفتی، به اعتبار

بررسی سیر تاریخی وضعیت شاخص‌های اقتصادی نشان می‌دهد که پس از ورود گسترده درآمدهای نفتی به اقتصاد کشور از سال ۱۳۵۲، در نبود برنامه‌های صحیح و دقیق برای «صنعتی‌شدن» در راستای ایجاد یک اقتصاد باثبات و پایدار، بخش‌های مختلف اقتصادی دچار دگرگونی شده‌اند. از سال ۱۳۵۲ به بعد، همان فرایند نه‌چندان مناسب ایجاد صنایع و توسعه صنعتی ادامه یافت که در نبود برنامه‌های بلندمدت درخصوص توسعه صنعتی، به تغییر ساختار اشتغال و ارزش افزوده انجامید.

با تغییر مسیر ایجاد تشکیل سرمایه از بخش‌های مولد و واقعی به بخش‌های نامولد و مستغلات و در کنار آن سلطه سرمایه‌های مالی و تجاری بر بخش‌های تولیدی و صنعتی و تغییر سهم مانده تسهیلات اعطایی به این بخش‌ها، ظرفیت ایجاد اشتغال به نزبست رسید. وقتی ضعف‌های فرایند صنعت